

کتاب‌های کمک آموزشی باید به دانش‌آموزان اطلاعات و دید وسیع‌تری نسبت به مطالب مطرح شده در کتاب‌های درسی ارائه کنند تا مطالب کوتاه و یا پیچیده مطرح شده در کتاب درسی، واضح‌تر شود.

دکتر سیاوش شایان، کارشناس آموزش جغرافیا

## بنگاهی دیگر

شکوه تقدیسیان



### اشاره

آیا روزی شاهد تحولی اساسی در نحوه‌ی نگرشی به آموزش و پرورش و بهادادن به توانایی‌ها و مهارت‌های بالقوه‌ی فرزندان خود خواهیم بود؟ پاسخ نگارنده به این سؤال آری است. البته اگر بتوانیم با نگاهی دیگر به مسأله‌ی انتقال فرهنگ و ابزارهای این انتقال، نهاد مدرسه و انواع هوش‌های مؤثر بر زندگی شهروندان فردا بنگریم و در باب پیامدهای غفلت‌های مدرسه به‌طور عمیق بیندیشیم.

امروزه مدرسه‌های مادر شرایط بحرانی قرار دارند و می‌روند تا دوران‌گذار پر فراز و نشیبی را طی کنند. تحولات آتی مدرسه را می‌توان با برطرف ساختن نقطه ضعف‌های برنامه‌ی درسی آغاز کرد. در این زمینه، نخستین گام می‌تواند افزودن کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی به سبد کتاب‌های درسی باشد.

«از دیدگاه دیویی، تعلیم و تربیت به معنای جاودانگی و توسعه‌ی جامعه از طریق سازمان دادن به تجربه‌های یادگیرندگان است و این مسؤولیت اصلی مربیان محسوب می‌شود» [ارنشتاین، ۱۶۰].  
انتقال فرهنگ، وظیفه‌ی اصلی نظام

براساس فلسفه‌ای که اختیار کرده‌اند، سیاستگذاری می‌کنند و احتمالاً لازم نمی‌دانند، با مخاطب خود ارتباط تربیتی، عملی و فرهنگی داشته باشند؛ مگر آن گروه از رسانه‌هایی که زیر مجموعه‌ی نهاد آموزش و پرورش هستند و مسؤولیت

تعلیم و تربیت است. فرهنگ همان مراسم، عادات و سننی است که جامعه را دارای هویت و شناسنامه می‌کند. در جوامع سنتی و کم سواد، انتقال فرهنگ از طریق آئین‌ها، داستان‌ها، و تقلید و مشاهده آموخته می‌شود. اما در جوامع پیشرفته، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تغییر و تعمیم فرهنگ، رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و کتاب‌ها هستند که تأثیر مستقیم بر رفتار و نگرش افراد، به خصوص کودکان و نوجوانان دارند.

**کتاب‌های کمک آموزشی، گرچه نمی‌توانند متولی تحقق هدف‌های فوق باشند، می‌توانند به صورت مجموعه‌ای کمک آموزشی، در کنار کتاب‌های درسی، به تمایلات و استعداد‌های خاص دانش‌آموزان پاسخ دهند و ساعت‌های فوق برنامه‌ی مدرسه‌ها را به نحوی شایسته پر می‌کند**

سنگین تربیت یک نسل را برعهده دارند؛ نسلی نیازمند کسب مهارت‌هایی که باعث می‌شوند، حتی یک فرد معمولی با هوشبهری نه‌چندان بالا، در زندگی اجتماعی و شخصی فردی موفق باشد. اگر هوشبهر افراد، موروثی و ساختاری است، داشتن مهارت‌های رفتاری، عاطفی و اجتماعی به پرورش مهارت‌های زندگی وابسته است.

زندگی سراسر چالش و برخورد است. شیوه‌های مقابله و حل

مدرسه‌ها، کارشان گسترش دانش است و صرفاً برای توانایی تحصیلی تکیه دارند، اما رسانه‌ها آزادی عمل دارند و

مسأله برای انسان از کوچک و بزرگ و هوشمند و کم‌هوش، از سازگاری با محیط آغاز می‌شود. بچه‌ها اغلب در

مدرسه به یادگیری علم و ذخیره سازی اطلاعات می پردازند و کم تر یاد می گیرند که چگونه در کشاکش حوادث و در برابر شرایط ناهمگون زیست محیطی، از خود واکنش مناسب نشان دهند.

«هوش تحصیلی در موقع بروز بحران یا پیش آمدن فرصت های مناسب، که فراز و نشیب های زندگی پیش روی آدمی قرار می دهد، مسلماً هیچ نوع آمادگی در افراد پدید نمی آورد. با وجود این که در زندگی، هوشبهر بالا تعیین کننده ی رفاه، کیفیت اجتماعی و یا شادکامی در زندگی نیست، مدرسه ها و فرهنگ صرفاً بر توانایی های تحصیلی تکیه می کنند و «هوش هیجانی»، یعنی مجموعه ای از صفاتی را که بی اندازه در سرنوشت افراد تأثیر دارند و عده ای نام منشی یا «Character» بر آن ها می گذارند، نادیده می انگارند»

در نظریه ی هوش هفتگانه ی گاردنر، بر مهارت هایی از انسان تأکید می شود که شناخت و پرورش هر یک از آن ها، ضامن آینده ای نسبتاً موفق در آن زمینه است. در ارتباط با عقاید گاردنر می بینیم، غفلت برنامه های درسی از پرورش مهارت های زمینه هایی مانند سخنوری، موسیقی، ورزش، هنر، دوست یابی، تنفیذ کلامی، آداب نقد و مباحثه و مانند آن ها، به کارایی عده ی

کثیری از افراد جامعه لطمه می زند و یا به ترک تحصیل و رها کردن مدرسه می انجامد.

کتاب های کمک آموزشی، گرچه نمی توانند متولی تحقق هدف های فوق باشند، می توانند به صورت مجموعه ای کمک آموزشی، در کنار کتاب های درسی، به تمایلات و استعداد های خاص دانش آموزان پاسخ دهند و ساعت های فوق برنامه ی مدرسه ها را به نحوی شایسته پر می کند. انجام این برنامه، به مدرسه ها فرصت می دهد تا در زمینه های غیرشناختی نیز، شاهد رشد و پرورش استعدادهای بچه ها باشند و احتمالاً بر انگیزه ی تحصیلی آنان نیز افزوده شود.

در این راستا، توجه برنامه ریزان درسی را به این نکته جلب می کنم که هدف های رایج آموزشی، یعنی خواندن، حساب کردن و نوشتن، تنها کافی نیست. اضافه کردن درس های انتخابی و تغییر ساعت های بعضی درس ها، و انعطاف پذیری در گزینش مواد درسی و مهارت های شناختی و عاطفی، می تواند تحولات چشمگیری در زمینه ی آموزش و پرورش ایجاد کند و مؤلفان و مسؤولان کتاب های کمک آموزشی یا آموزشی، مسیر انتخاب خود را در جشنواره ی متفاوت از جشنواره های گذشته، در زمینه های



آموزش و پرورش و بها دادن به توانایی‌ها و مهارت‌های بالقوه‌ی فرزندان خود خواهیم بود.

عاطفی و غیرشناختی معرفی کنند. کتاب‌هایی که در زمینه‌های متنوع هنری مانند: نقاشی، خیاطی، موسیقی، و زمینه‌های اجتماعی مانند: سخنرانی، دکلمه، فن بیان، آداب اجتماعی و غیره، و در زمینه‌ی تربیت بدنی و آموزش انواع ورزش‌ها، نگارش می‌یابند، مصداق واقعی کتاب‌های آموزشی یا کمک آموزشی هستند. اگر بنا باشد، این گونه کتاب‌ها، آن هم به صورت رسمی در سبک کتاب‌های درسی جای بگیرد، باید به طور جدی، به برنامه‌ریزی در این زمینه اقدام کرد. با تحقق این طرح، ما شاهد تحول اساسی در نحوه‌ی نگرش به

#### ◀ منابع

۱. ارنشتاین، آلن سی. مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی برنامه‌درسی، ترجمه‌ی سیاوش خلیلی شوینی. ناشر یادواره‌ی کتاب. سال انتشار ۱۳۷۳، چاپ اول.
۲. گلמן، داتیل. هوش هیجانی. ترجمه‌ی نسرین پارسا. انتشارات رشد. سال انتشار ۱۳۸۳، چاپ سوم.

